

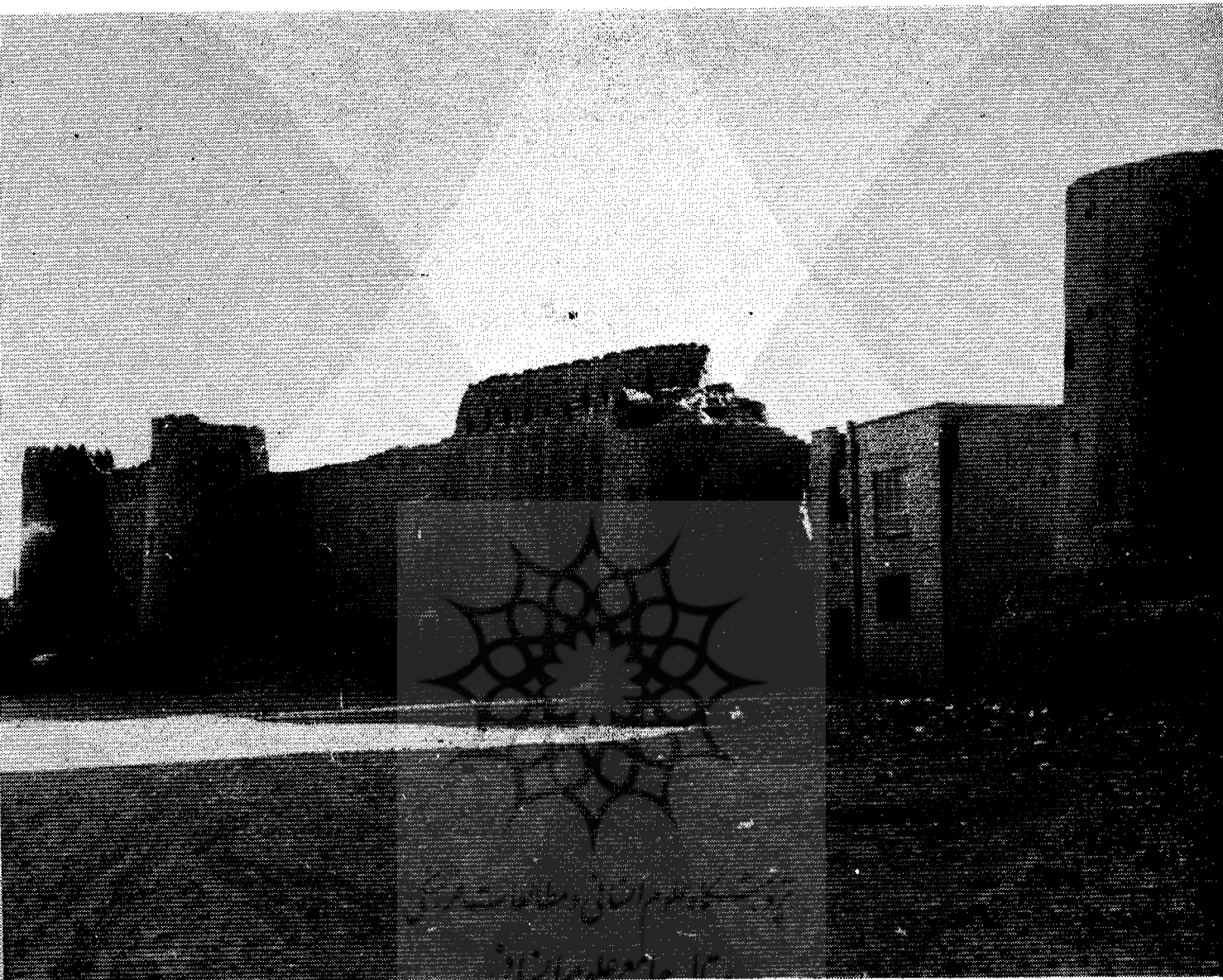
تابه افسوس ششم، بافت یزد، تختگاه کویر را در پی

دکتر پرویز ورجاوند
دانشگاه تهران

این باشد تا به دنبال درهم ریختن و نابود ساختن بافت‌های با ارزش معماری بسیاری از شهرهای ایران، درباره یزد پیش از آنکه هویتش از دست رود اقدامی اصولی

از متخصصان ایرانی و خارجی مرکب‌از باستان‌شناسان و مهندسان معمار در شهر یزد تشکیل یافت. شروع داستان چنین مینمود که احتمال دارد این بار قصد بر

آغاز سخن :
در آبان‌ماه سال ۱۳۵۱ نخستین «مجمع بین‌المللی برای حفاظت بناهای خشتی» با شرکت جمع قابل ملاحظه‌ای

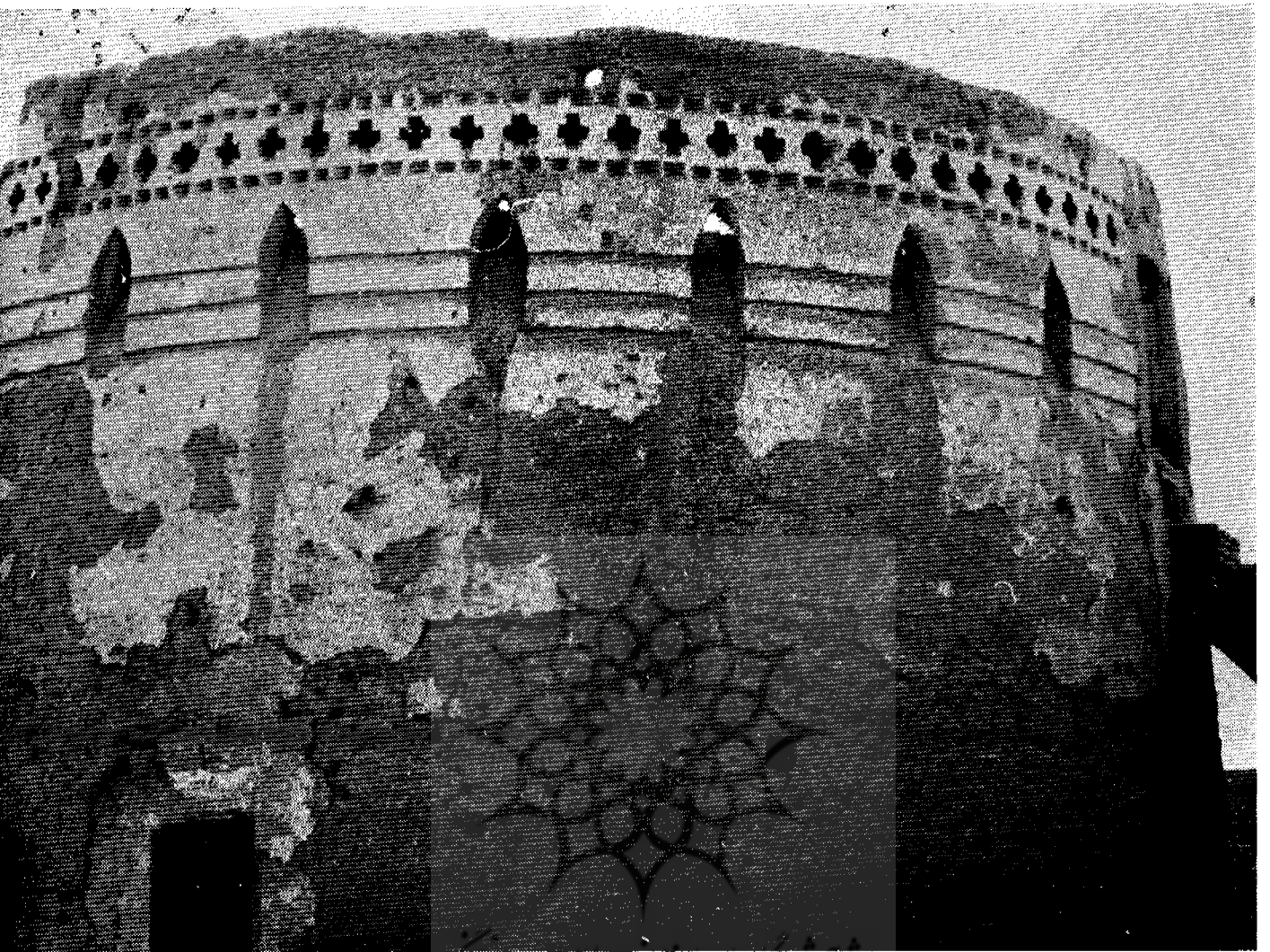


شد و بقولی «نوگوئی—که سهراب نیست» باری در آن مجمع جز سه چهار نفری از پژوهندگان این مرز و بوم که ارادتی خاص به بافتهای شهری و نشان و بناهای تاریخی آن دارند، مطالبی که از جانب اکثر شرکت کنندگان خارجی عنوان گردید نه مشکلی را طرح ساخت، نه گره‌ای را گشود و نه به یزد و شهرهای مشابه آن اشاره‌ای داشت.

برای اکثر شرکت کنندگان غربی مسئله حفظ و نگهداری بناهای خشتی بیشتر در زمینه چگونگی محافظت از

صورت پذیرد. ظاهراً در شروع کار چنان فریبنده بود که نمیدانم چرا با همه تجربه‌های تلخی که در گذشته از بسی حاصل بودن تشکیل چنین مجمع‌هایی داشتم، بخود امید میدادم که شاید از این گردهم‌آئی نتیجه‌ای عاید گردد و برای نجات شهر یزد چاره‌ای اندیشیده شود. ولی افسوس که از همه آن گفت‌وگوها همچنان که بقول معروف «این حرفها برای فاطمی تنبان نمیشود» یزد هم‌چیزی عایدش نگشت و از فردای پایان کار مجمع، یزد هم بدست فراموشی سپرده

بالا روبرو : بخشی از حصار بجای مانده کهنسال شهر یزد که یادآور تاریخ دیرپای این شهر است. بالا : بخش دیگری از برج و باروی بجای مانده حصار شهر یزد. در این تصویر شاهد یکی از دهها تجاوز و دستکاری‌های نابجائی هستیم که در بازمانده حصار یزد صورت گرفته است.



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چند پی و دیوار بدست آمده از کاوشهای باستانشناسی مطرح بود. زیرا که آنها با ویژگیهای معماری اکثر شهرهای نواحی مرکزی و حاشیه کویر ایران که خشت اصلی ترین و مهمترین ماده ساختمانی آنست آشنائی لازم را نداشتند. اگر روال کار جلسه های مجمع چنگی بدل نزد و نتیجه قابل لمسی بدست نداد ولی قطعنامه آن بر روی هم رفته از بعضی جهات بد تنظیم نشده بود و دست کم با اشاره به مطالبی چون :

۱- يك مركز تحقیقات بین المللی زیر نظر «ایکوموس» با همکاری تمام مراکز بین المللی و ملی که باین موضوع

علاقه مندند تشکیل شود تا بتواند امر تحقیق و حفاظت بناهایی را که با چینه یا با خشت ساخته شده اند تشویق و ترغیب نماید و مدارك لازم برای تحقیق راجع به این مسائل را گردآوری کند. از دولت ایران دعوت میشود که چنین مرکزی را بوجود آورده و مسئولیت تهیه برنامه و فعالیتهای آنرا به آن مرکز محول نماید.

۲- شرکت کنندگان در این مجمع استنباط کرده اند که ساختمانهای چینه ای و خشتی میتوانند تعمیر و حفاظت شوند. زیرا معمولاً جوابگوی مسائل مربوط به مسکن اهالی در هر منطقه میباشد، خصوصاً با احتیاجات اجتماعی، اقتصادی و آب و

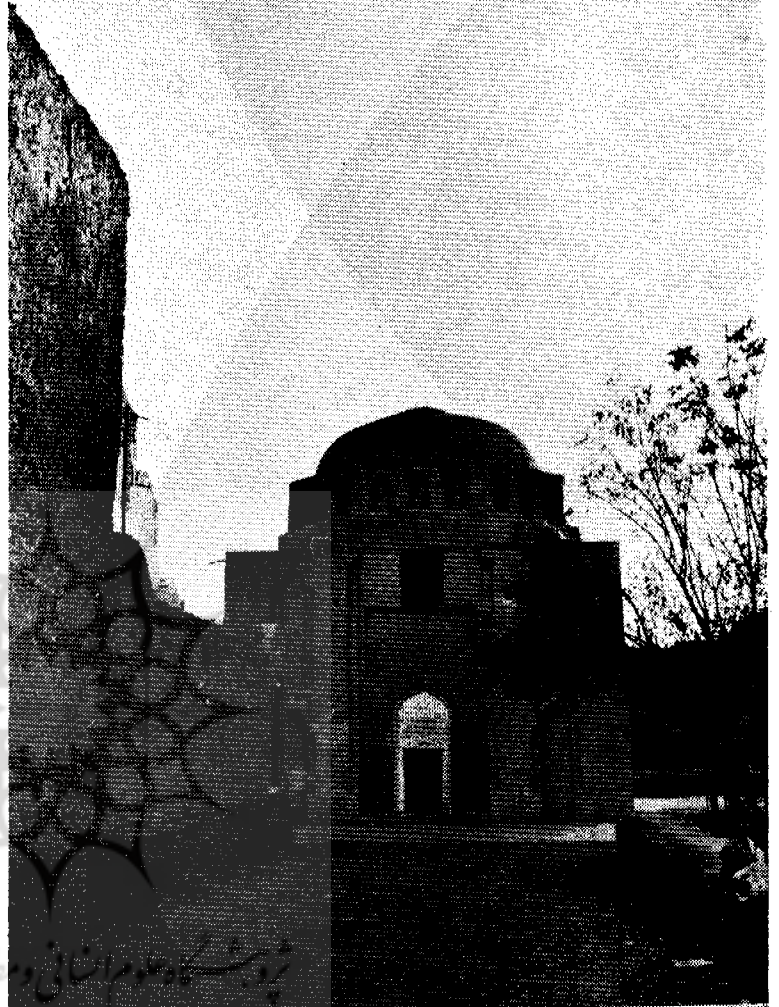
هوای همان محل سازش دارند.

۳- باز کردن راهها و کوچه ها در مجتمع هایی که با چینه و خشت خام ساخته شده اند ممنوع گردد. و بهمین طریق مانع شوند که کارهای ساختمانی عمومی و عام المنفعه بدون مطالعه قبلی در آنجا انجام گیرد. لازم بنظر میرسد که در هر يك از منطقه ها باید مطالعاتی برای زنده کردن این ابنیه و حفاظت آنها بعمل آید.

۴- شهر یزد، که از نظر تشکیلات ساختمانی و ابنیه ذب قیمتی که دارد و از نظر حیات شهری که وابسته بآنست از طرف دولت ایران بعنوان نمونه ای از محافظت يك شهر خشتی در چهارچوب سال مخصوص

«میراث ملی ساختمانی ۱۹۷۵» انتخاب گردد.

این روزنه امید را بازگذارده بود که پس از پایان کار مجمع حرکتی آغاز گردد. مجمع پایان یافت، روزها، هفته‌ها و ماهها و بالاخره سه سال و اندی از زمان تشکیل آن گذشت، نه مرکز بررسی و تحقیق تشکیل یافت، نه ارزش و اصالت بناهای خشتی برای مردم تشریح گردید، نه گامی اساسی در جهت تعمیر و حفظ مجموعه‌های خشتی برداشته شد و نه از تجاوز به بافت‌های باارزش قدیمی جلوگیری بعمل آمد و گوئی که هیچگاه چنان‌مجمعی تشکیل نیافته و توصیه‌هایی نکرده است. تا اینکه پلر دیگر در اسفند ماه سال ۱۳۵۴ دومین «مجمع بین‌المللی بناهای خشتی» در یزد گشایش یافت. این بار جای این امیدواری بود که با عنوان شدن «نقشه طرح جامع یزد» که بمنظور دقت در امر حفظ بافت‌های اصیل و قدیمی و بناهای ارزنده تاریخی این شهر بررسی و تهیه آن بدانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران محول گشته است، به مجمع جهت خاصی بخشیده شود و دست کم بخشی از گفت‌وگوهای آن به بحث درباره چگونگی حفظ و نگهداری این مهم‌ترین مجموعه مسکون بناهای خشتی ایران و شاید جهان اختصاص یابد. اما دریغ و صدافسوس که چنین نگشت. نه تنها از گزارش علمی همراه با نقشه‌ها و تصاویر و طرح‌های مربوط به مطالعات انجام شده درباره نقشه جامع شهر یزد خبری نبود بلکه از هیأت بررسی کنندگان حتی یک نفر هم در مجمع شرکت نداشت. کسی نمیداند دعوت شده بودند یا به ملاحظاتی دعوت را نپذیرفته بودند. باری همه آنهایی چون من که به عشق شنیدن گزارش مزبور باین مجمع آمده بودند فراوان دمق شدند ولی باید بگویم که علاقه‌مندی یک مهندس جوان معمار که پروژه دیپلمش را درباره باز پیرائی واحیاء قسمتی از مجموعه بافت کهن یزد تهیه کرده بود سبب گردید که



بالا روبرو: یکی از برج‌های تک‌نگهبانی پشت حصار یزد که در قرن هشتم هجری با توجه به درگیریهای منطقه در جهت تقویت نیروی دفاعی شهر ایجاد شده است

بالا: بقعه دوازده امام - به اعتباری که سنال‌ترین بنای سالم و بر بای یزد مربوط به سال ۴۳۹ هجری. اهمیت این اثر مربوط است به نحوه طاق‌زنی و پوشش آن. این بنا در نزدیکی حسینیه محله فهادان که که سنال‌ترین محله یزد بشمار می‌رود واقع شده است

تا حدی جبران این کمبود بشود. زیرا که با تنظیم نمایشگاهی از نقشه‌ها، طرح‌ها، عکسها و نمودارها همراه با توضیحاتی کلی و اجمالی برخی از شرکت کنندگان توانستند درباره بافت شهر یزد و ارتباط واحدهای مختلف آن با یکدیگر اطلاعاتی کسب کنند و من به سهم خود از آن معمار جوان و با علاقه صمیمانه سپاسگزارم. در دومین مجمع نیز حدود ۵۰ تن شرکت کننده وجود داشت که ۲۵ نفرشان را خارجی‌ها تشکیل میدادند. این بار نیز جز سه چهار نفر، دیگر شرکت کنندگان خارجی حرف و سخنی دندان گیر نداشتند. از آغاز کار مجمع من و دوسه تن دیگر با اشاره باین نکته که با وجود جنبه جهانی مجمع، تشکیل پیاپی نخستین و دومین مجمع در شهر یزد بی دلیل نمیتواند باشد، سعی کردیم تا شاید دستکم

یکروز از گفت و گوهای مجمع را بمسائل مهم و اساسی حفظ بافت و معماری خشتی شهر یزد و پیرامونش اختصاص دهیم. استدلال ما این بود که با طرح مسائل و مشکلات این شهر و اظهار نظرهای متخصصان درباره آن گذشته از آنکه مجمع براه یک مباحثه و کار علمی سازنده کشانیده خواهد شد، توجه سازمانهای جهانی چون یونسکو و یکسو و مقامات مسئول مملکتی از سوی دیگر به لزوم یک اقدام بنیادی و آگاهانه بمنظور نجات و حفظ یزد و دیگر شهرهای مشابه آن در ایران و دیگر سرزمینهای جهان به گونه‌ای جدی و اصولی جلب خواهد شد.

ولی افسوس که فقط بدلیل آنکه مجمع جنبه بین‌المللی دارد باین گفته‌ها توجهی نشد و سرانجام این دومین مجمع نیز چون مجمع نخست بدون هیچ نتیجه

گیری و عرضه کردن راه‌حل یا راه‌حلهایی و یا دست کم توصیه‌های روشن و عملی درباره شهر یزد بکار خود پایان داد و هر یک از گوشه‌ای فرا رفتند و برای آنکه اصولاً مسئله حفظ و نجات بافت قدیمی شهر یزد برای همیشه از خاطره‌ها محو گردد، قرار بر این گشت تا سومین نشست مجمع سه سال بعد در ترکیه تشکیل شود. دست علی به‌مراه شرکت کنندگان باد.

چند هفته‌ای بعد شبی جمعی از دوستان شرکت کننده در آن مجمع به همراه استاندار یزد دور هم نشستند. همه باین امر معتقد بودند که اگر مجمع حتی گره‌ای از صدها گره‌های کور مربوط به حفظ بافت یزد و معماری آنرا ننگشود دست کم با تکیه بر اعتبار و ارزش اسمی آنهم که شده جا دارد تا این موضوع





بوسیله گروهی علاقمند دنبال گرد و چاره-
هائی عملی اندیشیده گردد و بمورد اجراء
گذارده شود. استنادار یزد در آن جلسه
لزوم انجام هرچه سریعتر یک رشته مطالعات
اساسی و تهیه طرحهای اجرایی را برای
نجات شهر گوشزد کرد و یادآور شد که
هرچه بیشتر در این باره امروز و فردا بشود
بر تعداد مشکلات افزوده خواهد شد و
مردم را بیش از پیش ناامید خواهد ساخت.
آتشب همه باعلاقه و دلسوزی اظهار
نظر کردند و چنین مینمود که امکانات
لازم برای ادامه کار و جلسات این گروه

روبرو : کاربندی زیرگنبد بنای خشتی معروف به «زندان اسکندر» یا
مدرسه ضیائییه که در نزدیکی بقعه دوازده امام قرار دارد . تمامی گنبد
این بنا با خشت ساخته شده است . این بنا از نظر شکل گنبد و نحوه کاربندی
زیر آن از نمونه‌های بسیار ارزنده هنر معماری ایران در قرن هفتم بشمار
می‌رود . این بنا که در ۶۳۱ هجری ساخته شده است کمی بعد بعنوان نمونه
و الگو مورد تقلید قرار می‌گیرد

بالا: سردر و گنبد مسجد جامع یزد-مسجد جامع یزد که دست کم به قرن ششم
مربوط می‌شود از جمله بناهای شکوهمندی است که در نشان دادن پیشینه
پر بار هنر معماری یزد نقشی بنیادی بر عهده دارد . قسمتهای مهم و برپای
کنونی مسجد به دوران آل مظفر (قرنهای هفتم و هشتم هجری) مربوط
می‌شود . این بنا در قالب بافت شهر یزد بویژه زمانی که از بالا بر سطح شهر
بتگرییم چون الماسی درشت و درخشان ، بیش از هر اثر و مجموعه دیگر
نگاه را بسوی خویش جلب می‌سازد و لحظه‌هائی بس دراز هر بیننده‌ای را
بخود مشغول میدارد



دیوار نگاره‌های زیرگنبد وبدنه بنای معروف سید رکن‌الدین یامدرسه رکنیه از نمونه‌های چشم‌گیر تزیینات معماری قرن هشتم یزد

و جمعی دیگر فراهم خواهد شد. ولی باز هم افسوس که چنین نگشت و ماهها بعد تاکنون نیز دیگر خبری از جلسه و تشکیل کمیته نجات و دیگر مسائل مربوط به یزد مطرح نگشت و فکر میکنم تا تشکیل سومین مجمع حفاظت بناهای خشتی در ترکیه همچنان یزد و مسائل مربوط به بافت قدیمی و بناهای آن در بوته فراموشی باقی بماند. ولی از یاد نبریم که اگر یزد با همه ارزش و اعتبارش از یادها رفته است، در عوض کمیته نجات شهر (و نیز) در زمانهای معین و بطور منظم در تهران تشکیل میگردد و ماکه در امر حفظ و نجات بسیاری از شهرهای تاریخی خود چون اصفهان، کاشان، قزوین، یزد و... با همه ارزش و اعتباری که در سطح جهانی دارند در مانده‌ایم، با دادن پول و صرف وقت و نیروی انسانی بسیاری دیگران برخاسته‌ایم و مثل معروف (چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است) را از یاد بردایم.

آیا تاکنون يك مورد را میتوان ذکر کرد که مغرب‌زمین با وجود همه امکانات وسیع و عظیم مالی و فنی و علمیش برای حفظ میراث فرهنگی ماکه بنا به گفته خودشان بخشی مهم از میراثهای فرهنگی بشری را نیز تشکیل میدهند دست یاری بسوی ما دراز کرده باشد؟ جز آنکه بسیاری از آثار ارزشمند ما را غارت کردند و بموزه‌ها و مجموعه‌های خود بردند، جز آنکه با گرفتن پولهای گزاف جمعی از وازده‌ها را بعنوان کارشناس‌های بزرگ برای حفظ آثار و میراث‌های فرهنگی ما فرستادند، چه کردند؟ راستی بگوئید یونسکو و دیگر سازمانهای پر عرض و طول جهانی تاکنون در حق ما چه کرده‌اند که ما خوشتن را از یاد بردایم و برای دیگران دلسوزی میکنیم؟

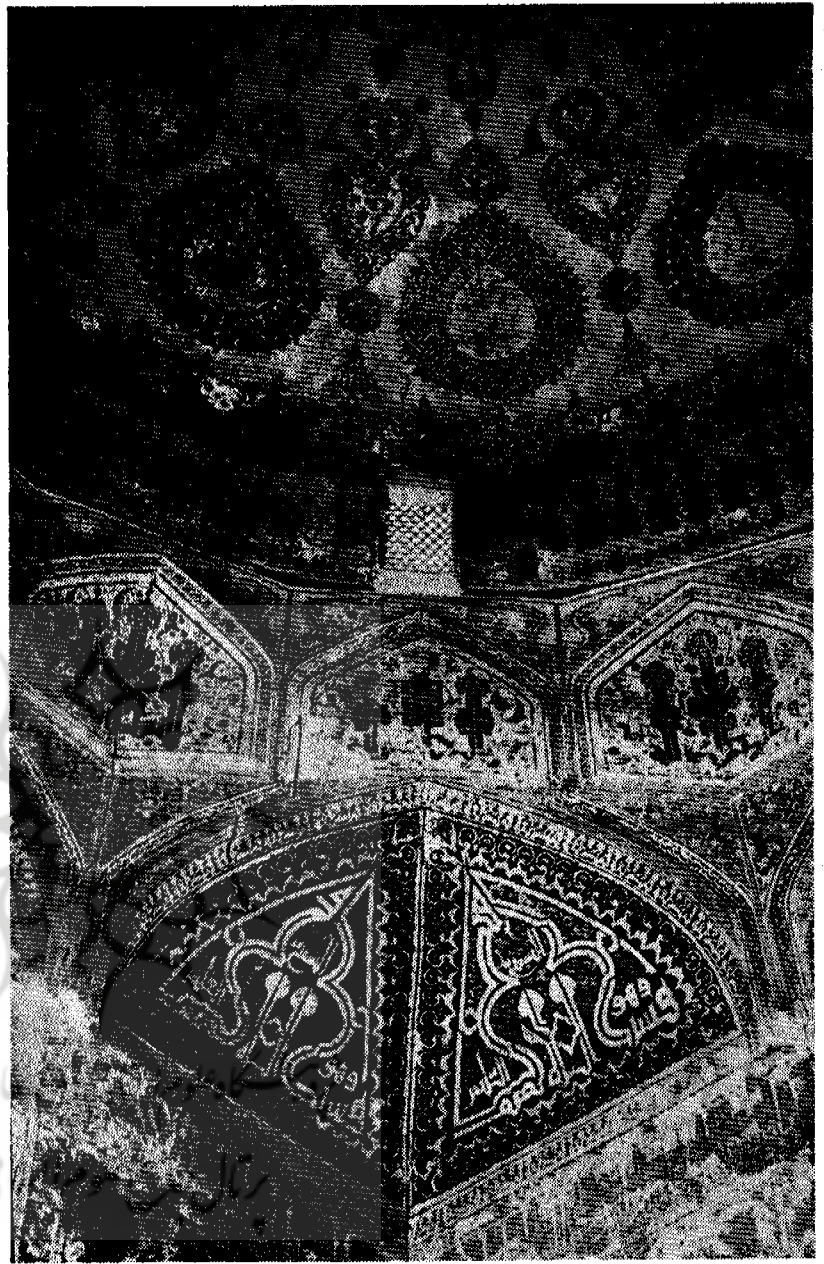
— باری آنچه در بالا بیان گردید بآن خاطر بود تا خوانندگان عزیز را در جریان امر قرار داده باشم و بتوانم با

این مقدمه بنسبت طولانی دلیل نوشتن یادداشت‌های پراکنده زیر را درباره شهر یزد تا حدی توجیه کرده باشم.

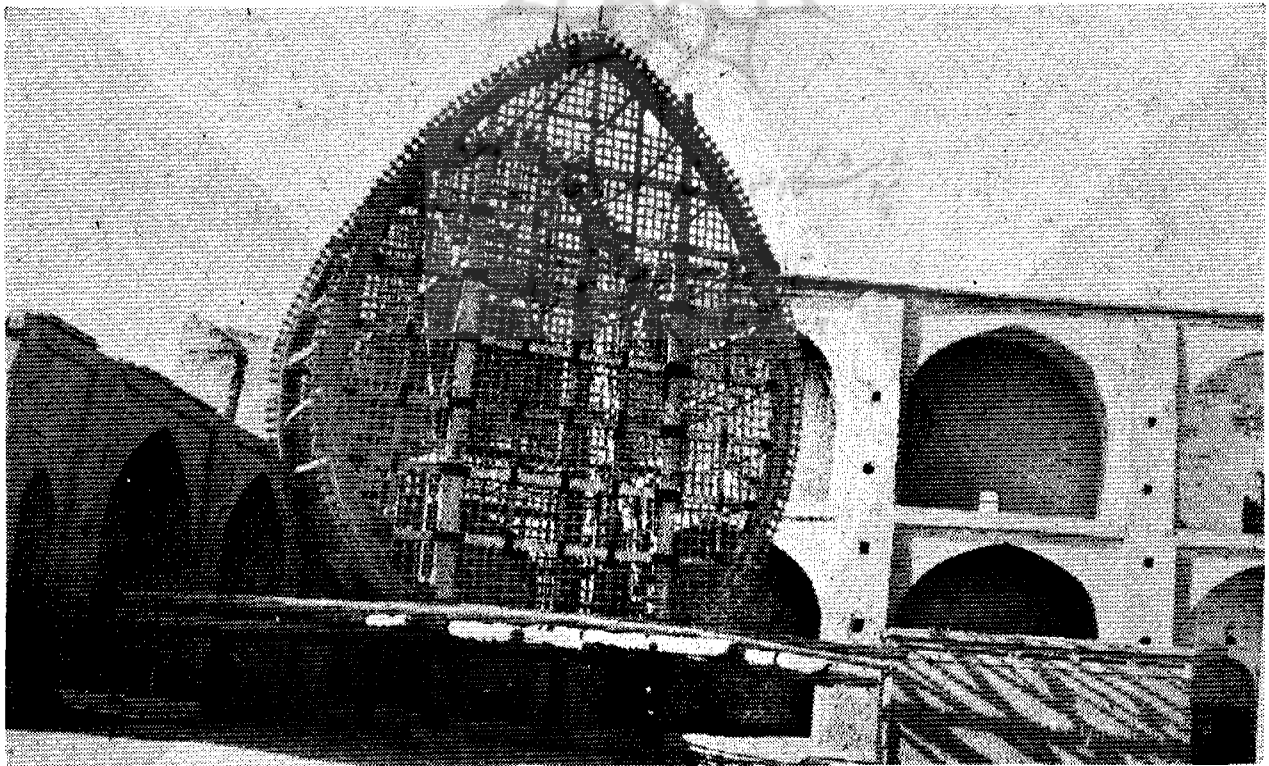
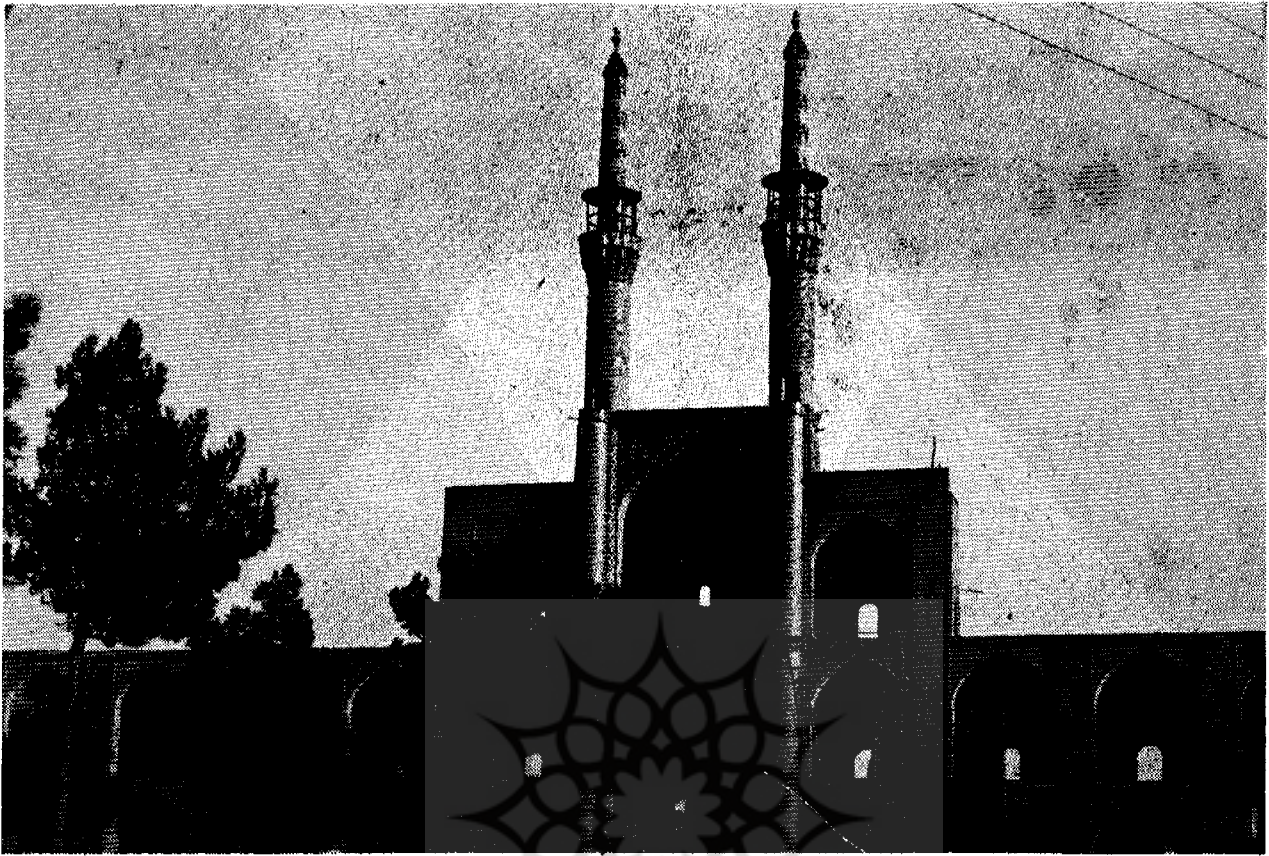
در اینجا باید بگویم آنچه که در زیر خواهید خواند يك نوشته تحقیقی و علمی بمنظور بحث درباره بافت و شبکه بندی و معماری شهر یزد نیست. زیرا که تهیه چنین مقاله‌ای نیاز به يك بررسی همه جانبه و دست کم يك اقامت چندماهه در شهر یزد دارد. بنابراین آنچه که در این نوشته آمده چیزی نیست جز يك برداشت بسیار سطحی و اجمالی يك مسافر. مسافری که سخت به یزد چون دیگر شهرها و ده‌کوره‌های وطنش عشق می‌ورزد و برای آن ارزش و اعتباری فراوان قائل است، مسافری که آرزو میکند باغ دولت آباد یزد با همه طراوت و سرسبزی و شادی آفرینی گذشته‌اش بار دیگر زندگی از سر گیرد و فضای دل‌انگیزی را به ساکنان یزد و نازواران آن دیار آرزای آن دارد. مسافری که آرزو دارد سیمای میدان امیرچخماق، نمای پرشکوه سردر مسجد جامع یزد، میدان شاه، باقیمانده حصار و باروی شهر همه و همه از گزند بیشتر دستبردهای ندانم‌کارانه در امان بمانند و بالاخره اینکه بافت با ارزش و کهن یزد با تاریخ دیرپایش و حوادثی که بر آن گذشته برای همیشه از خطر نابودی دور بماند و موجباتی فراهم گردد تا ساکنان سخت‌کوش و مردم مهربان و بردبار آن بتوانند در این بافت از يك زندگی مرفه و شاد بهره‌مند باشند. من یزد و محله‌های کهن آنرا بسان ارگ‌سنگم، بهم، تهی از زندگی نمیخواهم. من حفظ بافت کهن یزد را در پیوند منطقی با زندگی سرشار از رفاه ساکنان آن آرزو دارم.

ویژه گیها و ارزشهای بافت کهن یزد در رابطه با اقلیم و زندگی

برای آنکه بتوانیم بموقع جغرافیائی



تزیینات دیوارنگاره بر روی کاربندی‌ها و زیرسقف گنبد سیدرکن‌الدین. در این تصویر نقش‌های گیاهی و طرح‌های زینتی بسیاری کنیسه‌های کوفی گلدار و تزیینی مشاهده میگردد



شهر یزد چنانکه هست پی بیریم بیجاست
 که آنرا از بالا و از داخل هوا پیمابنگریم.
 در چنین نگاهی است که میتوان ایجاد
 این شهر را در دامن کویر گسترده و
 شنهای روان پیرامون آن به معجزه تعبیر
 کرد و بسازندگان سخت کوش آن آفرین
 گفت. آنهایی که از جاده آسفالت نائین،
 یزد باین شهر میروند در سمت چپ جاده
 و در نزدیکی شهر صدها پرچینی را که با
 حصیر بر روی تپه‌های شنهای روان برای
 جلوگیری از حرکت آنها بسوی شهر
 ایجاد شده است با تعجب نظاره خواهند
 کرد و مشکل بزرگی را که ساکنان یزد
 و دهات پیرامونش با آن دست بگریبان
 هستند از نزدیک خواهند دید.^۲

تا چشم کار میکند صحرای خشک
 است و شن روان که با وزیدن باد چون
 موج کم‌خیز دریا بجلو رانده میشوند
 و در چهره پستی و بلندی صحرا تغییراتی
 چشم‌گیر بوجود می‌آورند. گاه در میان این
 پهنه وسیع بی‌آرام که تابستانها گرمایش
 بیداد میکند، نگاه انسان به سبزه و
 درخت برخورد میکند، اینها واحه‌ها
 یا دهاتی هستند که بهمت مردمانی سخت
 کوش در این قلب کویر پا گرفته‌اند.
 این مردم با تلاشی ستودنی از ده‌ها فرسنگ
 راه با مهارتی خاص آب را از دل خاک
 بیرون کشیده و به کمک قنات‌ها به روستاها
 آورده‌اند و بمد آن مائده آسمانی، سبزه
 و درخت کاشته‌اند و به طبیعتی سخت و
 ناموافق صفا و زندگی بخشیده‌اند.

باری مشکل کمربندی از کویر بی
 انتها، شن روان، بادهای سوزان، گرد و
 خاک شدید، کمبود آب و ناچیز بودن
 پوشش گیاهی و درخت همه و همه عواملی
 هستند که در بررسی بافت شهر یزد و
 معماری آن باید مورد نظر قرار گیرند.
 همچنین اگر بخواهیم چگونگی آثار
 معماری شهر یزد و شبکه‌های ارتباطی و
 واحدهای مختلف آنرا آگاهانه مورد
 مطالعه قرار دهیم جا دارد که پیشینه
 تاریخی و حوادثی را که بر آن گذشته



روبرو بالا : سردر میدان میرچخماق یزد - میدان میرچخماق یزد یکی از چند میدان قدیمی
 شهر یزد است که در قرن نهم هجری در زمان حکمرانی امیرچخماق (امیرچخماق) بنا شده است.
 این میدان چون دیگر میدانهای کهن شهر یزد همراه با مجموعه‌های پیرامونش چون مسجد
 معروف امیرچخماق بنیان‌گرفته است. سردر کنونی از آثار قرن سیزدهم هجری قمری (۱۳۹۶)
 است که در برابر بازار حاجی قنبر، از بناهای قرن نهم بناگشته و امروز مردم آنرا نشان شهر یزد
 بشمار می‌آورند. در سالهای اخیر نماسازی مکانهای پیرامون میدان ونحوه باغچه‌بندی وسط
 آن در نهایت بی‌سلیقتگی انجام گرفته به نحوی که بشدت باین میدان قدیمی و سردر چشم‌گیر آن
 لطمه وارد ساخته است

روبرو پائین : بخشی از میدان شاه یزد، از آثار قرن سیزدهم هجری (۱۳۱۴ - ۱۳۱۹) و نخل
 بزرگ آن. نخل مزبور که در روزهای سوگواری بر آن آذین بسیار می‌بندند به اعتباری
 بزرگترین نخل شهر یزد است
 بالا : یکی از کوچه‌های یزد

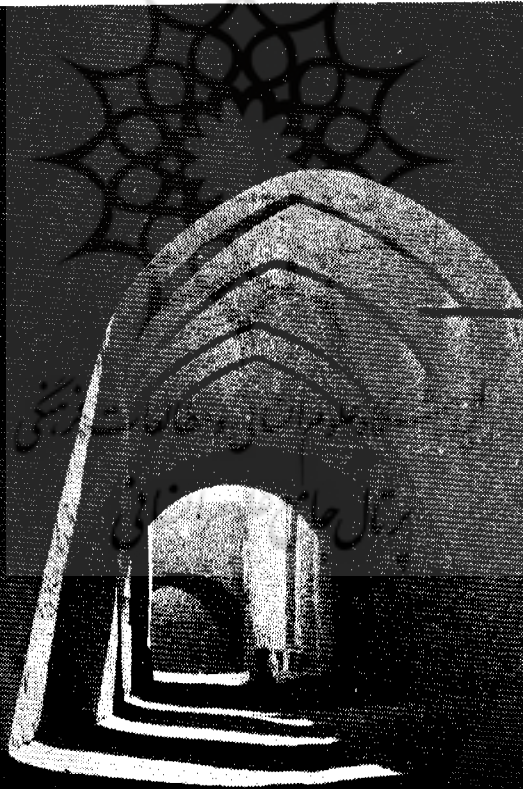
است بشناسیم. باید که موقع یزد را از نظر سیاسی و نظامی در طول قرنهای گذشته در ارتباط با منطقه بررسی کنیم و بالاخره اینکه اوضاع اقتصادی و اجتماعی آنرا از آغاز بنیاد گذاریش و در طول زمان حیات آن مورد مطالعه قرار دهیم، آنوقت است که خواهیم توانست برای توجیه و تجزیه و تحلیل آنچه که در پیش روداریم آگاهانه اظهار نظر کنیم. چرا که شاید در نظر نخست مشاهده باقیمانده حصار مستحکم و سترک این شهر و برج و باروهای آن که در نیمه اول سده پنجم پا گرفته و تا قرن هشتم

نیز بر آن افزوده شده است، همچنین ترتیب خاص شبکه‌های ارتباطی بافت داخلی شهر با گذرهای ستف‌دار و کوچه‌های زیر نخب مانند آن، بدون بررسی اوضاع و احوال خاص سیاسی زمان و درگیریهای مختلف منطقه از قرن پنجم هجری تا اوایل دوران قاجار بدون منطبق جلوه گر شود.

بنابراین باید که از حوادثی چون حملات «تکودریان» از سرحد کرمان به یزد و غارت اموال مردم آن، در بندان چهار ماهه شهر در ۷۶۷ هجری که مردم

را ناگزیر به خوردن اسب و خر و سگ و گربه گردانید و بالاخره در بندان چهل و پنج روزه سال ۸۵۷ هجری و دیگر تجاوزها و درگیریهای شهر یزد در طول تاریخ آن باخبر بود. باید که در قلب تابستان وزیر آفتاب سوزان یزد از یکسوی شهر به سوی دیگر آن گذر کرد تا ارزش ساباطهارا که جابجا چون سایه بانی گسترده گذر کنندگان گرمازده شهر را نیرو می‌بخشند چنانکه هست باز شناخت و در جمع باین نتیجه رسید که آنچه از دیرباز در یزد پایه گرفته پدیده‌هایی است

یکی از کوچه‌های زیبای یزد. کوچه‌ای که در طول آن سایه روشن فوسهای فراز آن به گونه‌ای هنرمندانه به رهگذر آرامش می‌بخشد و در گرمای سخت تابستان انسان گرمزده را پس از لختی آسودن در سایه خود توانی تازه میدهد تا باز هم برای خویش ادامه دهد



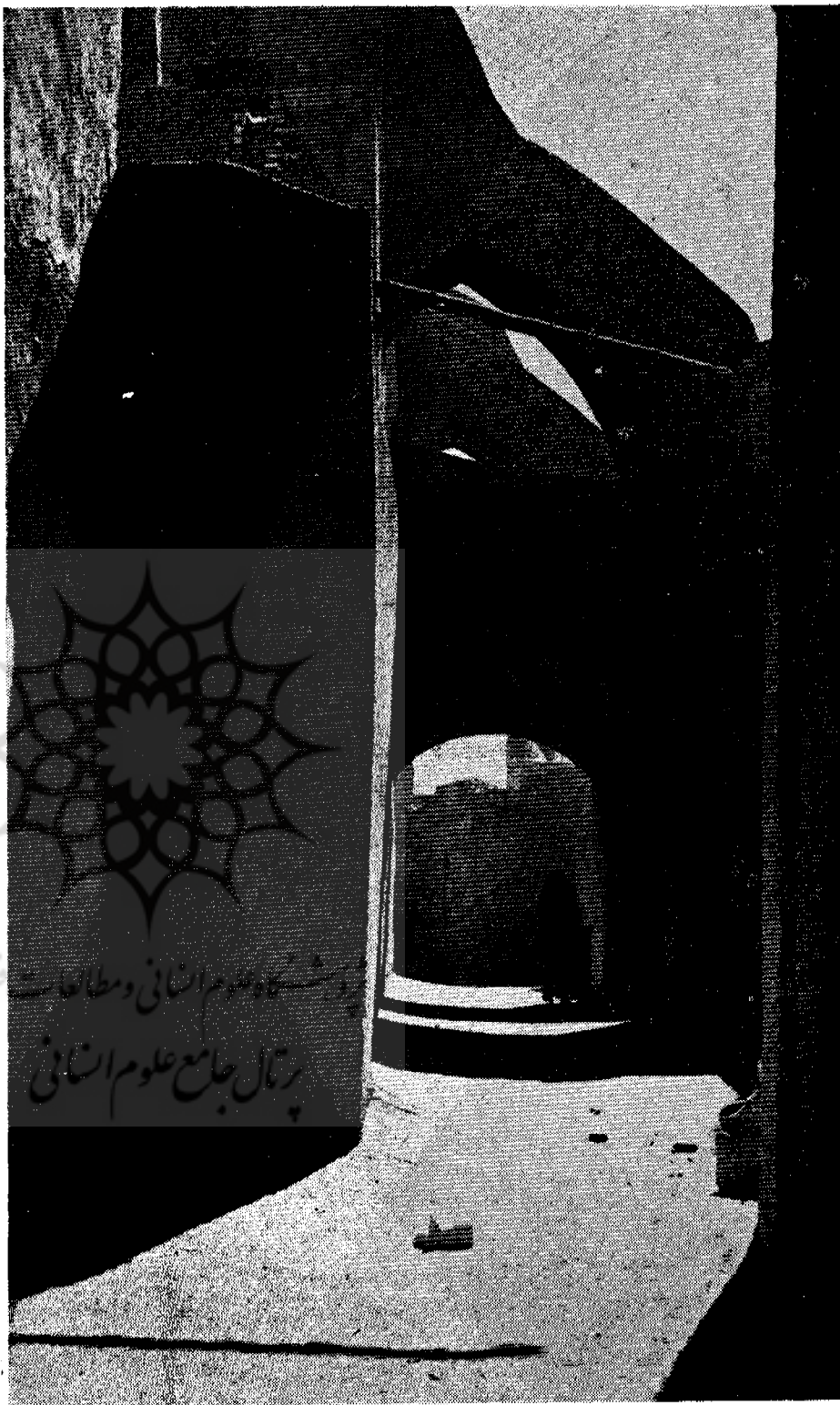
حساب شده و مورد نیاز زندگی مردم شهر ونه نوعی فانتزی و تفنن معمارانه.

فضای بافت کهن یزد :

— در این شهر بایکی از پیچیده ترین و در عین حال حساب شده ترین بافتهای شهری که جایجا فضاهای متفاوت و چشمگیری را عرضه میدارد برخورداریم. از ویژه گیهای عمده بافت این شهر آنکه در تمامی محله های قدیمی شاهد آنیم که هر محله واحدهای همگانی مورد نیاز مردم آن محل را در بردارد و در واقع محله در اطراف واحدهای همگانی چون: آب انبار — مسجد — بازارچه — میدان — حسینیه و حمام شکل گرفته است. به عبارت دیگر برنامه ریزان و شهرسازان گذشته با توجه به اوضاع و احوال خاص زمان باین مسئله جالب که هر مجموعه ای از واحدهای مسکونی باید نیاز مندیهای خود را به راحتی در دسترس داشته باشد توجه کرده اند و باین ترتیب گذشته از فراهم ساختن موجبات یک زندگی راحت روزانه برای مردم هر محله، نوعی همبستگی و ارتباط نزدیک را نیز بین ساکنان هر محل فراهم ساخته اند. موضوعی که از نظر زندگی اجتماعی و رابطه انسانی ساکنان یک محل دارای نقشی اساسی و ارزشمند است.

درباره بافت شهر یزد نکته ای که نمیتوان از آن بی اشاره گذشت عبارتست از ذوق و سلیقه ای که در عرضه ساختن فضاهای متنوع در آن بکار رفته است. هر تازه واردی که در بافت قدیمی یزد به سیاحت بپردازد در فاصله های مختلف خود را در برابر فضاهائی با حال و روحیه ای خاص و متفاوت روبرو می بیند که نه تنها حس کنج اویزش را بر میانگیزد بلکه این تنوع را پر جاذبه و مطلوب احساس میکند.

رهگذر پس از گذشتن از یک کوچه روباز با نمای کاهگلی دیوارهای دو طرف که جایجا بادرهای چوبی گل میخ دارو سردرهای ساده و تزئینی، یکنواختی آن درهم میشکند، یکباره در پیچ کوچه با



وبازهم کوچه ای و گذری از یزد با سقف های پیوسته و قوسهای پشتیبان

قوسهائی بر فراز دیوارهای دو طرف مواجه میشود که بر طاق آسمان نقش انداخته اند. کمی پائین تر کوچه به چهار سوقی میرسد که بر فراز آن گنبد کاهگلی خوش ترکیبی نشسته و دید را از سطح به بالا میکشد. فضای به نسبت تاریک زیر چهارسوق در برابر روشنائی بسیار ایشوی کوچه، گامهای رهگذر را کمی سست میکند و او را آماده ورود به فضائی متفاوت با مسیر گذشته میسازد. زمانیکه رهگذر به زیر چهار سوق میرسد در برابر خود بازارچه ای سرپوشیده می بیند که در انتهای آن بازنوری تند و روشنائی خیره کننده گواه آنست که بار دیگر مسیری روباز در پیش دارد.

رهگذر ناآشنا به بافت شهر یزد در طول این مسیرهای روباز یکباره در راست و چپ خویش با کوچه های تونل مانندی برخورد میکند که از زیر ساختمانها میگذرند و گذری را به گذر دیگر پیوند میدهند. گوئی که در گذشته ای دور از آنها بعنوان راه پنهانی استفاده میشده و جز در مواقع ضروری راه آنها باز نبوده است.

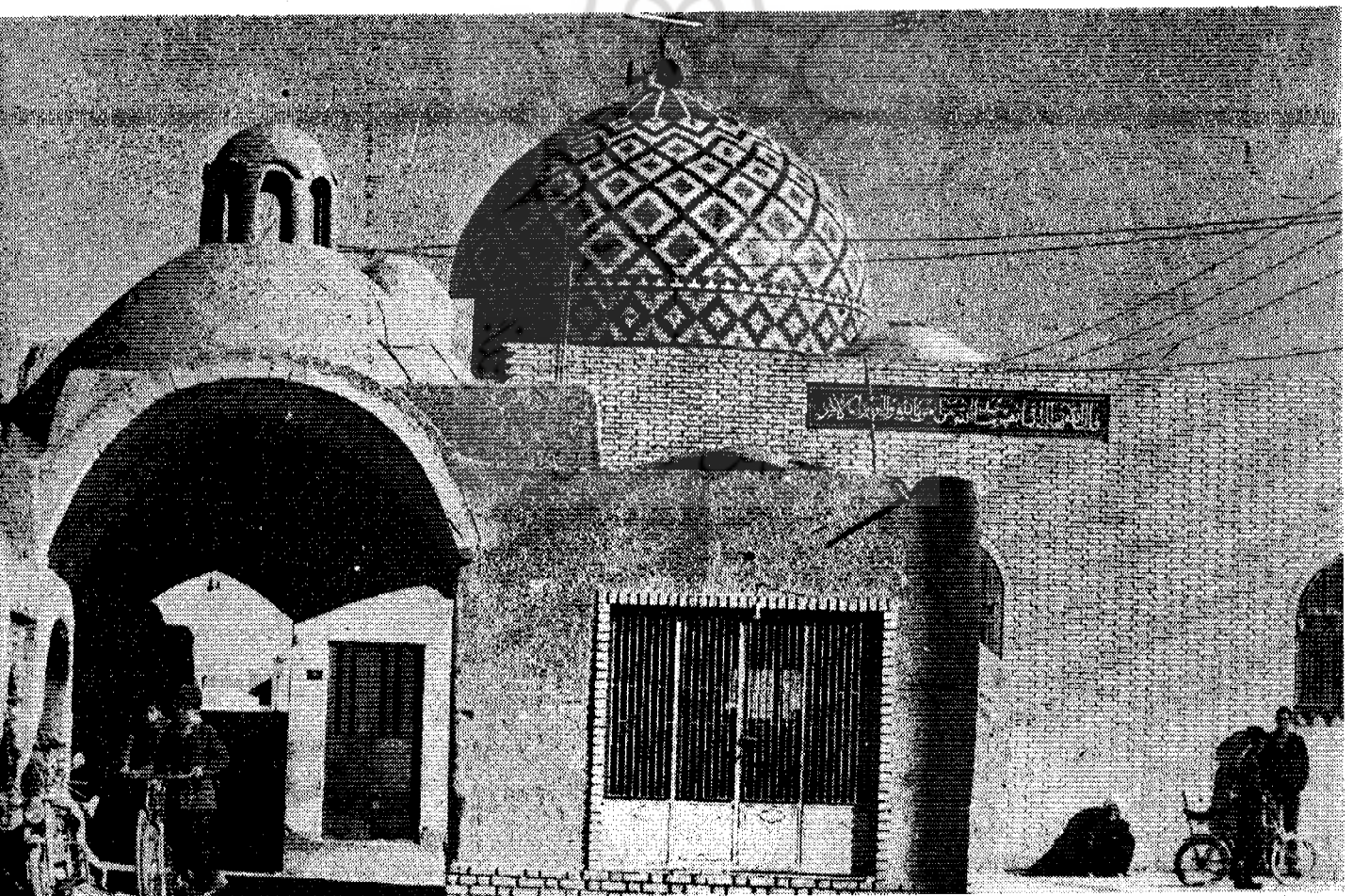
کوتاه سخن آنکه در این بافت هر تازه واردی برای نخستین بار سردرگم میشود و در برابر، اهل محل به تمامی پیچ و خمها و فراز و نشیبهای آن آگاهی دارند و بخوبی میتوانند ناشناس مظنون را سردرگم و متجاوزان را غافلگیر سازند

وراه را بر آنها بیندند و در برابرشان بخوبی مقاومت کرده و در شرایط نامساعد به آسانی بگریزند و خود را از معرکه دور سازند. و این همه اگر تاریخ گذشته یزد با دقت بررسی شود شاید به روشنی بتواند نشان دهنده بازتاب اوضاع و احوال خاص سیاسی منطقه و رویدادهای آن باشد.

چشم انداز شهر از فرازبانهها

— در یزد با وجود تجاوزهایی که به بافت آن شده و دستکاریهایی که در نمای محله های قدیمی صورت پذیرفته است و بالاخره لطمه ای که بناهای بی قواره و ناجور جدید به منظر شهر وارد ساخته است، هنوز میتوان چشم انداز آنرا از

بخشی از بافت کهن یزد و بازمانده ای از یک چهارسوق دستکاریهای ناموفقی که در آن صورت گرفته است



احترام به آثاری که در گذشته خلق شده‌اند، تنها بدلیل آنکه اثری دارای قدمت بسیار است آنرا زیبا و پر جاذبه نمیدانم. آنچه که من درباره قسمت وسیعی از بافت کهن یزد میگویم تنها بدلیل قدمت آن نیست بلکه بدلیل مشاهده جنبه‌های منطقی و نیروی خلاقه‌ایست که در آفرینش آنها بحق وجود دارد.

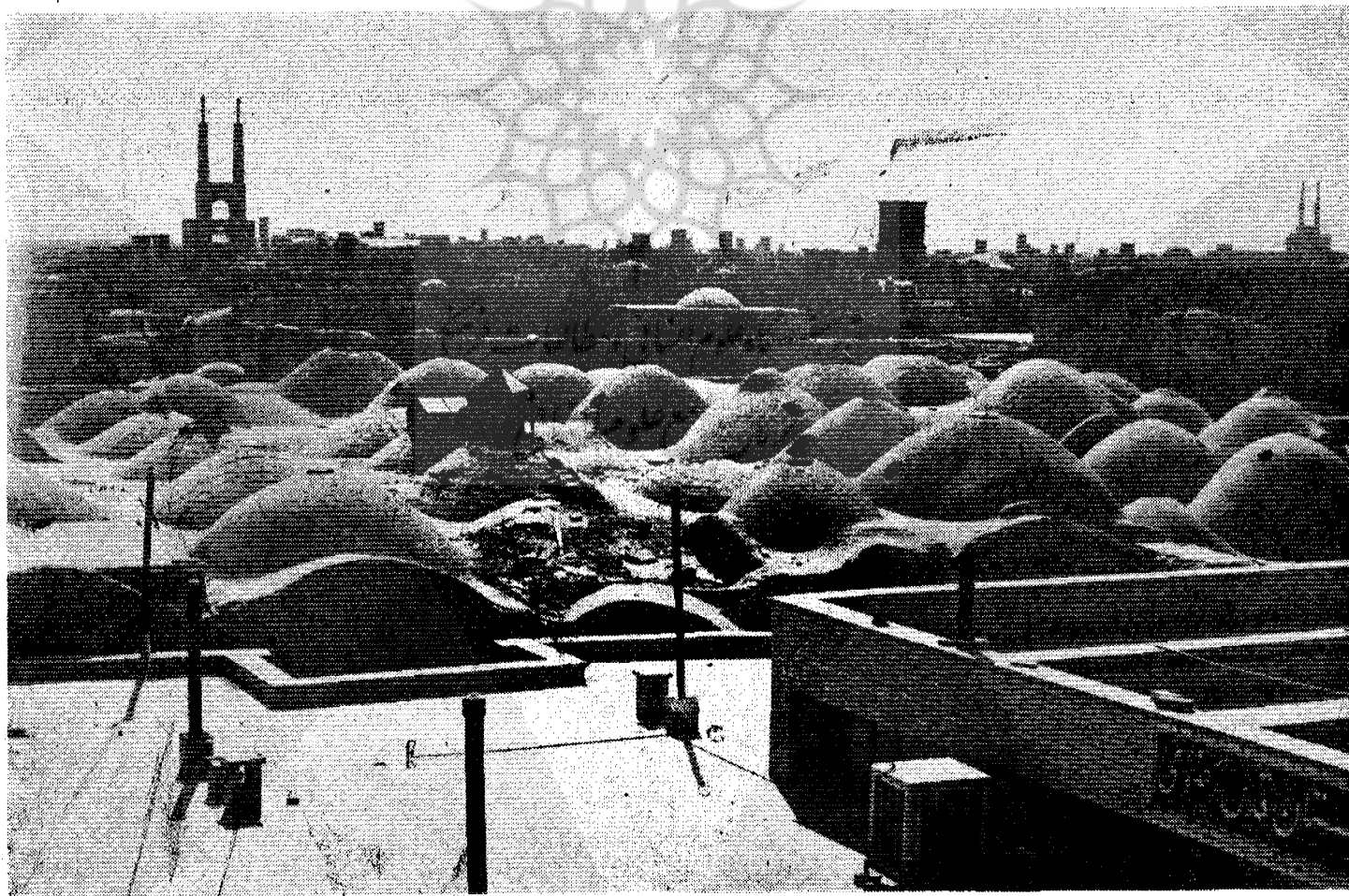
در اینجا باید اعتراف کنم آنچه که من و بسیاری دیگر از افراد را به تحسین بخش عمده‌ای از این بافت کهن وادار میسازد، گذشته از جنبه‌های مختلف امر، بیشتر معلول مجموعه تغییرات ناموفقی است که در این بافت صورت گرفته و خلق آثار معماری زشتی است که طی سی سال

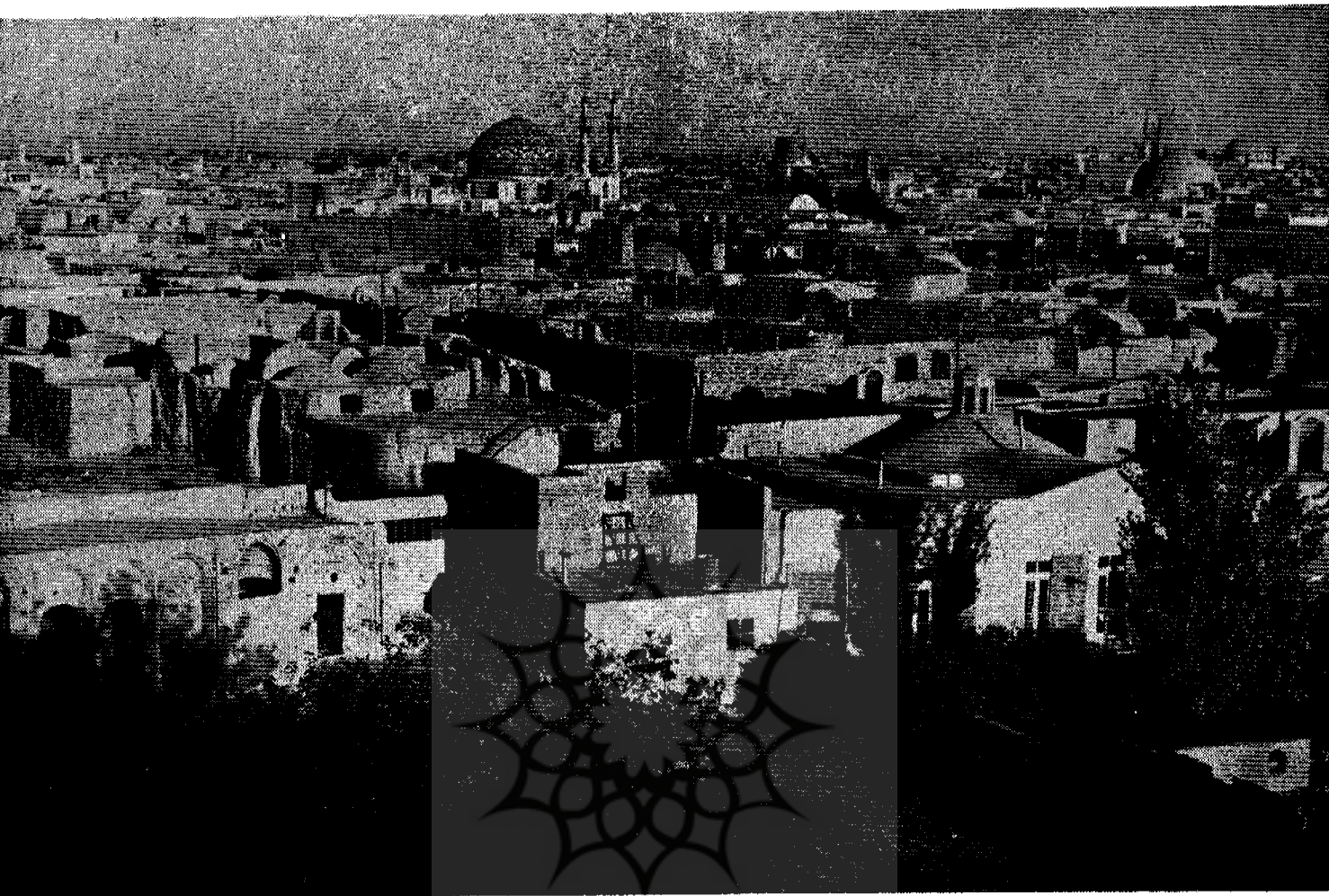
این هم‌آهنگی و زیبایی را درهم شکست و منظری چنین صمیمی و پر جاذبه را به نابودی کشاند. باید که در انتخاب شکل و مصالح پوشش بناهای جدید فراوان دقت کرد و به هم‌آهنگی آنها با بامهای مجموعه معماری سنتی و محلی و فسادار ماند.

— زمانیکه من از جاذبه و زیبایی بافت قدیم یزد، کوچه‌های کم‌عرض و کاهگلی آن، ساباطها و کوچه‌های قوس‌دار آن صحبت میکنم شك ندارم که جمع بسیاری چنین تصور میکنند که چون رشته و کارم پرداختن به آثار باستانی و بناهای تاریخی است، باید که چنین بگویم، ولی بپذیرید که چنین نیست و من ضمن

فراز بامها زیبا و دست نخورده یافت. هنوز از جهت ارتفاعی نمای سطح بالای شهر با پوشش‌های شیروانی و نامتناسب درهم نریخته و هم‌آهنگی بامهای کاهگلی با خیزبادگیرهای شکوهمند و گنبدهای خوش ترکیب خاکی رنگ که گاه چند لکه فیروزه‌ای اینجا و آنجا بر زیبایی و لطف آن افزوده از دست نرفته است. به بیان دیگر مشاهده شهر یزد از فراز بلندیها و کنار گنبد مسجد جامع هنوز گیرائی و جذابیت غیر قابل وصفی دارد که تا از نزدیک شاهد آن نباشیم با کمتر قلم و جمله‌ای میتوان آنرا در پیش چشم مجسم ساخت. از اینرو دریغ است که با ایجاد بناهای بلند و پوشش‌های نامتناسب،

منظره‌ای از شهر یزد از فراز بامها





ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

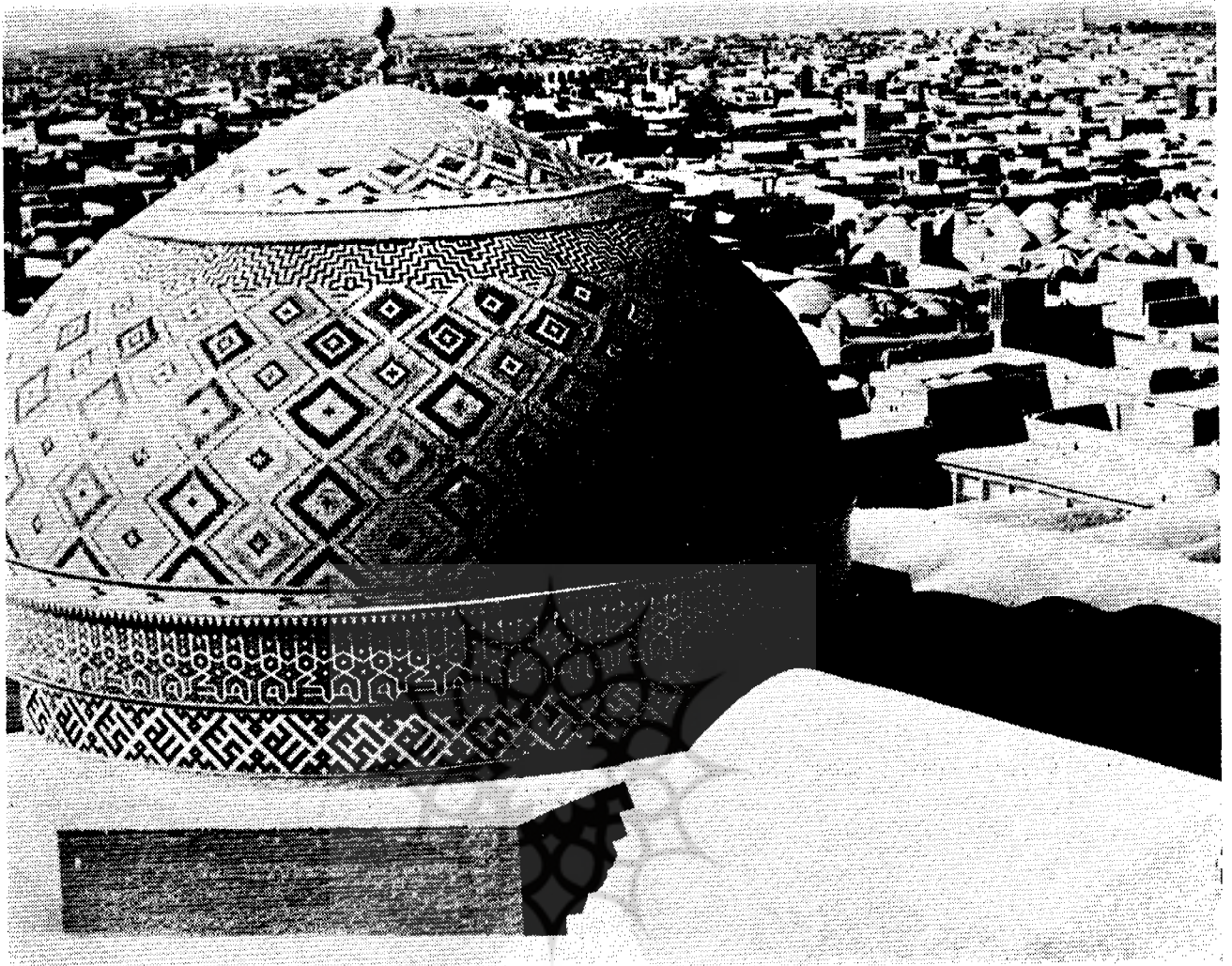
مصلح وانطباق داشتن با نیازها وبالاخره
 زیبایی رعایت شده باشد.

یادداشتها :

۱- این چهار بند از متن قطعنامه
 اولین مجمع جهانی بناهای خشت‌خام
 نقل شده است .
 شماره اول روزنامه‌کنگره از
 انتشارات مجله هنر و معماری- اسفند
 ۱۳۵۴ .

اخیر بوجودآمده است . آری اگر
 واحدهای معماری ساخته شده در دوسوی
 خیابانهای یزد در بیست سی سال اخیر
 اینچنین زشت و بی قواره و بی منطق
 نبودند، شایدکه بافت قدیمی و معماری
 اصیل شهر یزد تا این حد نمودنمیداشت
 وارزشش شناخته نمیشد. امروز هیچ
 آدمی نیست که بقدر سرسوزنی از کار
 معماری آگاهی داشته باشد و آنوقت بخود
 اجازه دهد تا در شهر یزد يك مسیر
 صدمتری را نشان دهدکه در معماری آن
 ضوابط معقول از نظر شکل و فرم ،

منظره بخشی دیگر از شهر یزد که هنوز بر اثر بنای
 ساختمانهای بی قواره چند مرتبه ، سیمای چشم-
 نوازش دستخوش دگرگونیهای ناموفق و آزار
 دهنده نشده است



ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

چشم انداز شهر یزد از کنار گنبد مسجد جامع - وجود تک گنبد های معدود کاشی و از آنجمله گنبد زیبای مسجد جامع یزد نشانه هایی از نقش انداز های هنرمندانه در جلوه بخشیدن و چشم نواز ساختن هر چه بیشتر منظره هوایی شهر بشمار می رود . زیرا که رنگ های زنده و شاد این گنبد ها جابجا چون نگین هایی رنگین بر پایه های خوش تراش کرم رنگ پوشش های کاهکی خود نمایی می کنند و چون از آن خانه خدا هستند کسی را آزار نمی دهند و در حسرتش فرو نمی برند

به مواد سوختنی توسط گروه های انسانی ساکن منطقه که مردم فزونی می یافت در دسترس نبودن میزان کافی و آسان مواد نفتی سبب گردید تا بیاری کامیون تادور دست ها پیش روند و بونه ها را از دل زمین برکنند و بسوزانند و سطح خاک را از پوشش گیاهی نگهدارنده آن بی بهره سازند. پیر مردان یزدی هنوز بخاطر دارند که در آخر محله « بسوزاران » نزدیک امامزاده جعفر بیشه ای بود که مردم یزد با توجه به اهمیتی که این بیشه برایشان داشت، آنرا بنام جنگل مینامیدند.

۲- درباره ایجاد پرچین ها بمنظور جلوگیری از حرکت ریگ های روان جا دارد یاد آور شویم که در گذشته از این پرچین ها خبری نبود و بجای آنها برخی بوته های بومی چون : جفته - غیج - تاغ و خار آدور یا خار شتر ، سطح صحرا و پیرامون شهر را تا فرسنگها دربر میگرفت و مانع آن می گشت تا باد شدت امروز شهای روان را از زمین برکنند و با آسمان ببرد و از آنجا با شدت برس ساکنان روستاها و مردم شهر فروکوبد. ولی نیاز فراوان